ادامه شواهد

این صفحه بیستویک بود که الآن خواندیم. صفحه هجده طبع قدیم روایت دارد:

> كان علي عليه السلام إذا كان بالكوفة يخرج و الناس معه يتراءى هلال شهر رمضان، فإذا رآه قال: اللّهُمّ أَهلُه عَلَيْنا بِالأَمْنِ وَالايمانِ، وَ السّلامَةِ وَالاسْلامِ، وَ صحّةٍ مِنَ السُّقْمِ، وَ فَرَاغٍ لِطاعَتِكَ مِنَ الشُّغْلِ، وَ الكِفايَةِ لِمِنَ الْقَلِيلِ مِنَ الْمُؤْنَةِ[1]

«كان علي عليه السلام إذا كان بالكوفة يخرج و الناس معه يتراءى هلال شهر رمضان»! یادتان هست که تعبیری «ترائی» به معنای استهلال را به کار برده بودند. در اینجا هم از این تعبیر استفاده کرده‌اند.

در ادامه مرحوم سید می‌فرمایند:

> ثم قل ما روي عن أبي الحسن الأول عليه السلام قال: إذا رأيت الهلال فقل: اللّهُمّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضانَ، وَ قَدِ افْتَرَضْتَ عَلَيْنا صِيامَهُ وَ قِيامَهُ، فَأَعِنّا عَلى صِيامِهِ وَ قِيامِهِ، وَ تَقَبَّلْهُ مِنّا، وَ سَلِّمْنا فِيهِ وَ سَلِّمْهُ لَنا، فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عافِيَةٍ، انَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يا ارْحَمَ الرّاحِمِينَ[2]

ببینید تعبیر این روایت چقدر به بحث ما مربوط است! **«اللّهُمّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضانَ»!** در متفاهم عرفی مشکلی ندارند که بفهمند این تعبیر به چه معنا است. اما تناسب را ببینید: «اذا رایت الهلال فقل، اللهم قد حضر شهر رمضان»، این تعبیر را در کنار روایت عمر بن یزید بگذارید. حضرت فرمودند: «کذبوا لمّا رأوا الهلال قالوا قد دخل الشهر الحرام»، در اینجا هم می‌فرمایند: «إذا رأيت الهلال فقل: اللّهُمّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضانَ...». خب حالا اگر بعد از ظهر دید، این را بگوید یا نگوید؟ آیا این حضور، حضور مجازی است؟ یا همان حضوری است که اگر برای شب است، هنوز که شب نیامده است. شاهد خیلی خوبی برای همین، در خود وسائل همین بابی که روایت عمرو بن یزید در آن هست، موجود است. ابواب احکام شهر رمضان، باب هشتم؛ هشت روایت دارد که هفتمی آنها همین روایت عمر یزید است که بحث ما بود. خیلی جالب است، در همین بابی که هشت روایت دارد، وقتی می‌خواهند بگویند ندیدی، چه می‌گویند؟ ببینید وقتی یک چیزی نیاز به مئونه اضافی دارد تصریح می‌کنند. متکلم حکیم تصریح می‌کند. در روایات این باب دارد که اگر در روز ندیدی، «اتمّوا الصیام الی اللیل».

یعنی اگر در روز دیدی، هلال، هلال است. «حضر الشهر». اما در اینجا حکم اختصاصی دارد که باید تصریح کنند. یعنی ولو حضر الشهر اللاحق؛ اما اَتمّوا.

> **قال أبو عبد الله علیه السلام: من رأی هلال شوال بنهار فی شهر رمضان فلیتم صیامه " صومه ".[3]**

این روایت دوم خیلی عالی است. **«من رأی هلال شوال»؛** نه هلالی که برای شوال نیست، این مفاهیم خیلی روشن است. **«بنهار فی شهر رمضان»؛** یعنی شهر رمضان هست، دیشب هلال را ندیده بودید، حال به آخرین روز ماه مبارک آمده و نیت روزه کردید، هلال شوال را می‌بینید. اما روز روز ماه رمضان بود. اینجا چون هلال شوال را دیدید، نیاز به تذکر حتمی دارد که «فلیتم صیامه " صومه»؛ اینطور نیست که چون هلال را دیدید بگویید «قد حضر شوال فنفطر». کما اینکه عده‌ای این کار را کردند. جلوتر روایتش را خواندیم. خیلی جالب بود. وقتی عمر شنید در بین روز هلال را دیدند و افطار کرده‌اند و گفته‌اند: «صم للرؤیة و افطر للرؤیة». ناراحت شد و نامه نوشت. برخی از او مطلق نقل کرده‌اند و برخی هم با تفصیلی قبل از زوال و بعد از زوال نقل کرده‌اند که در کتب اهلسنت هست. به‌غیر از خلیفه دوم، کار خلیفه سوم جالب بود. وقتی برای او خبر آوردند که عده‌ای در بعد از ظهر روز آخر ماه مبارک هلال را دیده‌اند، به محض اینکه آن را دیدند افطار کردند، او گفت «اما انا فلا افطر»؛ من اگر هلال را در بعد از ظهر ببینم افطار نمی‌کنم. یعنی بر کسانی که افطار کرده‌اند تحکیم نکرد که کار خلاف شرع کرده‌اند. تا این اندازه از آنها نقل شده است. یعنی مظنه این هست که بگویند «اذا رایتم هلال شوال فقد حضر شوال و مضی شهر رمضان». چون این مظنه بوده نیاز به تصریح است.

در این باب، به این هشت روایت نگاه کنید، در همه آنها تذکر می‌دهند که اگر در روز دیدی «اتمّوا»؛ یعنی نباید بخوری. خب اینکه لازم نبوده؟! چرا لازم بوده. چون وقتی هلال را دیدی، «دخل الشهر». چون شهر داخل شده به ذهن همه می‌آید که روز را بخور. درحالی‌که با مئونه اضافی بیان می‌کنند ولو شهر لاحق داخل شده، ولی چون «اتمّوا الصیام الی اللیل» هست، باید روزه بگیری. این هم شواهد یک باب وسائل است. یعنی «قد دخل» و امثال آن منافاتی با دخول واقعی شهر ندارد.

شاگرد: «نهار فی شهر رمضان» را مجازی معنا می‌کنید؟

استاد: نه، «یوم شهر رمضان». من که «یوم» را قبول دارم.

شاگرد: «یوم» نگفته، گفته «نهار فی شهر رمضان».

23:26

استاد: نهار شهر رمضان است، با آن برچسب‌زنی‌ای که عرض کردم. یعنی وقتی یکی از این قطعه‌های زمانی کم و زیاد است، وقتی سه-چهار ساعت از شهر شوال بعد از ظهر قرار می‌گیرد، شما باید به این روز برچسب بزنید. نهار ِچه زمانی؟ نهار شهر رمضان؟ یا نهار شوال؟ باید برچسب بزنید. ولذا در روایت گفت «اذا رئی قبل الزوال فذلک الیوم من شوال و اذا رئی بعد الزوال فذلک الیوم من رمضان».

شاگرد۲: در این روایت هر دو برچسب هم هست. هلال شوال، نهار شهر رمضان.

استاد: همین را عرض می‌کنم. هلال شوال هست و آن را دیده‌ایم، اما برای روزه چراهای ندارید که تا انتها روزه بگیرید. چرا؟ چون صیام است.

صفحه چهل و هفتم، در همین باب، به این صورت آمده:

> **يقول عند دخول شهر رمضان: اللّهُمّ انّه هذا شَهْرُ رَمَضانَ الّذي انْزَلْتَ فيهِ الْقُرْآنَ، هُدىً للنّاسِ وَ بَيّناتٍ مِنَ الْهُدى وَ الْفُرْقانِ قَدْ حَضَرَ[4]**

تعبیری حضور در اینها هم هست.

> **صفحه شصت و دو این است: «قال: إذا حضر شهر رمضان فقل: اللّهُمّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضانَ[5]».**

چرا این دو تعبیر را عرض می‌کنم؟ برای اینکه اگر ساعت دو بعد از ظهر هلال را دیدید، هلال شهر مبارک است. آیا تعبیر «حضر» امام علیه‌السلام صدق می‌کند یا نمی‌کند؟

صفحه هشتاد و هشت، مهم است. به این صورت آمده است: «قال: إذا طلع الفجر أوّل يوم من شهر رمضان فاعلم و قل: اللّهُمّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضانَ[6]».

شاگرد: از این روایت می‌خواهید چه استفاده‌هایی بکنید؟

استاد: وقتی نظر شارع به یوم است، می‌گوید صبح بگو «قد حضر». پس سه تا «حضر» هیچ مانعی ندارد. وقتی یوم شهر رمضان را در نظر می‌گیری، وقت طلوع فجر اول می‌گویی «قد حضر». وقتی واحد شب ماه مبارک را در نظر می‌گیری، وقت شب می‌گویی «اللهم قد حضر». اما وقتی قطعه «الشهر المبارک» را در نظر بگیری، چه زمانی است؟ وقتی هلال را ببینی. یعنی حضور به این مناسبت است که چه نگاهی به شهر مبارک داری. اگر نگاه بهروز او داری، اول طلوع فجر اول است، اگر نگاه شب به آن داری، اول غروب آفتاب است. اگر نگاه الشهر المبارک داری، هر وقت «اذا رایتم الهلال» یا «اذا طلع الهلال» است. ولذا در صفحه هجده به دنبالش می‌آورد:

> **روي عن أمير المؤمنين عليه السلام انّه قال: إذا رأيت الهلال فل تبرح و قل: اللّهُمّ انّي اسأَلُكَ خَيْرَ هذا الشَّهْرِ وَ فَتْحَهُ...[7]**

اگر اینها را به عرف عام عرضه کنید و کتاب سید را بخوانند، اگر عرف عام ساعت دو بعد از ظهر هلال را دیدند چه کار می‌کنند؟ می‌گویند حضرت فرمودند «فلاتبرح»؛ وقتی هلال را دیدی تکان نخوری و بگویی «اللهم انی اسألک خیر هذا الشهر». در متفاهم عرفی عرف عام از این هیچ درنگی دارند؟! با اینکه می‌دانند هنوز شب نیامده است. اول شب ماه مبارک نیامده ولی در «هذا الشهر»، «فلاتبرح» و ... هیچ مشکلی ندارند. دنباله آن باز هست.

> **عن الصادق عليه السلام قال: إذا رأيت هلال شهر رمضان فلا تشر إليه، و لكن استقبل القبلة و ارفع يديك إلى اللّه عزّ و جلّ و خاطب الهلال تقول: رَبِّي وَ رَبُّكَ اللّهُ رَبُّ الْعالَمِينَ...[8]**

یعنی اگر بعد از ظهر دیدی این احکام نیست؟! یا همان بعد از ظهر هم هلال شهر رمضان را دیدی و این احکام جاری است؟ اینها برای هلال است و هلال شهر است. منافاتی ندارد با اینکه شب اول ماه بیاید.

صفحه پانصد و چهل و چهار، و ششصد و بیست و هشت را هم نگاه کنید.

> **كان أبي صلوات اللّه عليه إذا دخل شهر المحرم لا يرى ضاحكا و كانت الكآبة...[9]**

اگر هلال شهر محرم بعد از ظهر دیده شد، بگوییم این عبارت آن جا را نمی‌گیرد، ولو هلال محرم را هم دیدی ولی بگوییم هلال محرم نبوده! بلکه وقتی که زمان هجوم حزن مؤمنین است، وقت غروب است! این اصلاً به ذهن نمی‌آید. هلال، هلال محرم است. ولو دو-سه ساعت تا غروب مانده است. لذا اصلاً به ذهن کسی نمی‌آید که بگوییم این حالت را داشته باشد.

> **روي أنّه عليه السلام كان إذا رأى هلال رجب قال: اللّهُمّ بارِكْ لَنا في رَجَبٍ وَ شَعْبانَ[10]**

یا آن جا که می‌فرماید:

> **ملكاً يقال له: الداعي، فإذا دخل شهر رجب ينادي ذلك الملك كلّ ليلة منه إلى الصّباح: طوبى للذاكرين، طوبى للطّائعين[11]**

اینها از مواردی است که در این کتاب مبارک آمده است.

---

[1] همان، ج۱،ص۶۵

[2] همان

[3] وسائل الشيعة - ط الإسلامية، ج۷،ص۲۰۱

[4] الإقبال بالأعمال الحسنة - ط الحديثة،ج١،ص١١٨

[5] همان ص١۴۶

[6] همان ص١٩٨

[7] همان ۶۵

[8] همان ۶۶

[9] همان ج٣ص٢٨

[10] همان ص١٧٣

[11] همان ص١٧۴

بازبینی #1
ایجاد شده 13 مه 2026 13:27:16 وسط ... .
به روزرسانی شده 13 مه 2026 13:35:31 وسط ... .